

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۲۴.۰۲.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟

(۶۰)

عملیات مارجه:

عملیات مارجه که با سرو صدای فراوان از سوی اشغالگران و دولت پوشالی افغانستان به راه افتاده است، در آن ۱۵ هزار نفر شرکت دارند که گفته میشود طرح و نقشه این عملیات از سوی اردوی دولت پوشالی تهیه شده است. این عملیات به نحوی مخالفت امریکا با نظرات کرزی و انگلیسهاست که میخواهند با طالبان صلح و مذاکره بکنند. امریکائی ها با اینکه تا حال در افغانستان تلفات بزرگی داده اند، اما برای ماندن درازمدت شان در افغانستان کار به شدت جریان دارد و پایگاه های آنها در میدان های هوایی ششگانه در حال گسترش میباشد و قرار است به زودی سی هزار نیروی دیگر امریکائی نیز وارد افغانستان شوند. چند ماه پیش امریکائی ها با چهار هزار نیرو در مارجه عملیات خنجر را به راه انداخته بودند و ظاهراً اعلان شد که این منطقه را تصفیه کرده اند، اعلان این عملیات نشان داد که چنین عملیات های اکثراً سیمبولیک میباشند.

طالبان قبلاً گفته بودند که در برابر این نیرو به صورت مستقیم نخواهند جنگید، اما تدارکات آنها را مورد حمله قرار خواهند داد و برای شان در مسیر راه ها مین خواهند کاشت. کاریکه اکنون جریان دارد. امریکائی ها از تسخیر مارجه سرو صدای بلندی را به راه انداخته و میخواهند بگویند که ما باید طالبان را سرکوب کنیم. مک کریستال قومندان عمومی ناتو و امریکا در افغانستان گفته بود، تا زمانیکه طالبان ضعیف نشوند، ممکن نیست صلح پیشنهاد شده از سوی دولت را بپذیرند، اما انگلیس ها که در ایجاد طالبان نقش مهم داشته اند، تلاش دارند تا هرچه زود تر به اتحاد با طالبان برسند.

مارجه مربوط به ولسوالی ناد علی ولایت هلمند است که در جنوب این ولسوالی موقعیت دارد و از نظر قاچاق و رفت و آمد طالبان به پاکستان و ایران بسیار با اهمیت است، نه به اندازه ای که حال درمورد آن تبلیغ صورت میگیرد. در مارجه همیشه طالبان منطقه و طالبان مناطق دیگر مخصوصاً آنانی که کار و بار مواد مخدر را میکنند،

قرار داشته و ۴۰۰۰ نیروی انگلیسی هم در مارجه مستقر بوده، ولی با طالبان هیچ درگیری نداشته اند. امریکائی ها بر سر مواد مخدر هلمند با انگلیس ها رقابت پنهانی دارند، همیشه کوشیده اند که یا در کنار انگلیسها قرار بگیرند و یا در هلمند جانشین آنان گردند. قرار است هفت هزار نیروی تازه دم امریکائی نیز در هلمند جابه جا شوند و این امتیاز را برادرانه میان شان تقسیم نمایند.

عملیات مارجه که به نام عملیات مشترک یاد میشود و در آن نیرو های انگلیسی، امریکائی، دنمارکی، کانادائی و استونیائی با افراد اردوی اداره مستعمراتی شرکت دارند، دارای چهار مرحله تدارک، حمله، استحکام و باز سازی بوده، بعد از چهار روز درگیری این نیرو ها اعلان کردند که حال مرحله بازسازی شروع شده است و خال خال حمله طالبان وجود دارد. در جریان این حمله ۳۰ نفر طالب، چند تن معدود از نیرو های دولتی و ۱۹ تن غیر نظامی به قتل رسیدند. حدود هزار خانوار از مارجه فرار کرده و به لشکرگاه پناه برده و ۶۰۰ خانه به ولسوالی خاشرود رفته و حدود ۵۰۰ خانوار در مجموع از نادعلی و مارجه به شهر زرنج نیمروز رفته اند. همین اکنون در شهر زرنج بیرو بار بسیاری به راه افتاده و نرخ خانه های کرائی هم بالا رفته است.

اینکه این عملیات بر امنیت کل هلمند چه تاثیری خواهد داشت مغایر آن چیزی است که در رسانه های همگانی، مخصوصاً رسانه های غربی تبلیغ میگردد. زیرا از مارجه تا ولسوالی بغران هلمند که در ۳۰۰ کیلومتری یکدیگر قرار دارند راه دور و درازی است که شاید یکی از اخبار دیگری هم مدتها خبر نشود. در حالیکه همین اکنون ولسوالی بغران در دست طالبان قرار دارد و به ارزگان نزدیک میباشد. تا حال برای استحکام ولسوالی نادعلی که مارجه جزئی از آن است یکصد تن پولیس ارسال شده اند و قرار است به زودی دوصد پولیس دیگر هم ارسال شود، اما از جائیکه دولت افغانستان یک دولت وابسته، بی اراده و بی کیفیت است لذا بعید به نظر میرسد که اراکین چنین دولتی در هلمند بتوانند، نظر مردم را جذب و طالبان را تجرید نمایند، این نیروها باز هم مثل گذشته به زودی تجرید شده و مورد حملات طالبان قرار خواهد گرفت. از دو روز به این سو طالبان بار دیگر از مخفیگاه های شان بر آمده و با تک تیر اندازی از راه دور نیروهای خارجی و دولت را مورد حمله قرار میدهند و بار دیگر وضع خارجی ها خراب شده برای پاسخ گفتن به حملات شدید تر و گسترده تر در مارجه تدارک میبینند. در جریان عملیات مارجه تا حال ۱۱ سرباز خارجی و یک نفر از افراد اردوی اداره مستعمراتی کشته شده اند. ۳۰ طالب به قتل رسیده و ۱۹ نفر ملکی نیز کشته شده اند.

دستگیری ملابرادر در کراچی:

ملا برادر که از پوپلزاری های قندهار و شوهر خواهر ملا عمر است، از زمان ظهور طالبان تا حال در کنار ملا عمر قرار دارد و از افراد معتمد درجه اول او میباشد. ملابرادر که نام اصلی او ملا عبدالغفور است مدتها در دره آدم خیل پاکستان جا به جا بود و از آن طریق کار و فعالیت تحریک طالبان را هدایت و کنترل میکرد، وی رئیس شورای مهم و مقتدر کویته هم بود که بعداً به کراچی انتقال یافت. اما با طرح مصالحه از سوی کرزی، ملا برادر به این طرح موافق شد و با پاسپورت جعلی به دوبی رفت و با کای ایده و برادر کرزی دیدار داشت. این تمایل ملا برادر باعث شد تا ملا عمر طی فرمانی او را از رهبری شورای کویته دور و به جایش ملا "نانی" را که از قوم هوتک و از نزدیکان ملا عمر است، مقرر دارد و بالاخره دولت پاکستان در واکنش به طرح کرزی این ملا را با دوازده تن از یاران دیگر او به امریکائی ها تحویل دهند. اینکه امریکائی ها چه برخوردی با ملا برادر بکنند روشن است که چون با طرح انگلیسی مصالحه موافقت کامل ندارند، لذا ملا برادر را مدتها نزد شان نگه خواهند داشت و

بعد چون ملا متوکل و ملا ضعیف وارد میدان خواهند ساخت. سرو صدای ملا برادر و نقش او در معادلات سیاسی کشور به زودی فروکش خواهد کرد. هرچند این دستگیری تأثیری بر به اصطلاح "طالبان میانه" خواهد داشت، چون شاخه پوپلزاری کمتر از طالبان حمایت میکند، اما این تأثیر بر آنها جدی نخواهد بود، چون بعد از برکناری ملا برادر از رهبری شورای کویته و تعیین شدن ملا نانی به جای او، حافظ مجید که یکی از قومندانان مهم نورزائی است به جای او انتخاب شده است و این را نورزائی ها، علیزائی ها و اسحاقزائی ها که از نظر عشیره ئی خود را برادر میدانند، به فال نیک گرفته، حمایت بیشتری از طالبان خواهند کرد. با این حال از پاکستان خبر میرسد که مولوی کبیر که در زمان امارت طالبان والی ننگرهار و مسؤول زون شرق بود و متهم به قتل قومندان عبد الحق میباشد، دستگیر و به امریکائی ها سپرده شد. مولوی کبیر که با سقوط امارت طالبان تمایلی به همکاری با طالبان نداشت، اینک توسط پاکستانی ها دستگیر گردید و چون در بدل تحویلی ملا برادر پاکستانی ها ۳۹۴ میلیون دالر گرفتند، معلوم نیست که از گوسفند لاغر تری به نام مولوی کبیر چقدر پول خواهند گرفت. این دستگیری ها نشان میدهد که این جریان وابسته و مزدور چطور در مشت آس ای قرار دارد و هروقت آنها بخواهند به گردن شان گردن بند زده و به باداران امریکائی شان تحویل میدهند.

حاجی زمان به قتل رسید:

حاجی زمان یک تن از قومندانان مشهور جهادی با پانزده تن از همراهانش به تاریخ ۲۲ فیبروری در اثر یک انفجار به قتل رسید. او که یکی از قومندانان مشهور جهادی در ننگرهار و مربوط به محاذ ملی پیر سیداحمد گیلانی بود، حین بازگشت از شهرکی که چمنله نامیده میشود، به سوی شهر جلال آباد در میان راه با انتحار یک انتحاری به قتل رسید. او که از ولسوالی خوگیانی بود مورد حمایت یک تعداد از افراد این ولسوالی قرار داشت. با حاجی زمان، شمس که رئیس شهر سازی این ولایت بود نیز کشته شد. درین حمله پانزده تن نیز زخمی شدند. قبلا مرگ حاجی قدیر که یکی از حریفان حاجی زمان بود، به حاجی زمان نسبت داده میشد، اما حال که حاجی زمان به قتل رسید، بسیاری به این باورند که این کار به وسیله خاندان حاجی قدیر به وقوع پیوسته است و شاید بر این بدی تعداد دیگری هم جان بدهند.

انفجار در لشکرگاه:

به تاریخ ۲۳ فیبروری یک انفجار در شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند باعث زخمی شدن بیش از ۱۲ تن گردید. این انفجار که توسط طالبان صورت گرفت، بمی را بر یک بایسکل جاسازی کرده و با انفجار از راه دور در منطقه مرکزی شهر منفجر کردند و آنهمه افراد بیگناه و غیر نظامی را به قتل رساندند. با اینکه مردم مارجه خیل خیل به لشکرگاه پناه میبرند و در زیر باران شدید چند روزه بی هیچ پناه و پناه گاهی شب را به روز می‌رسانند، خبر این انفجار ها جز اینکه فاشیزم طالبانی را در چنین روز های به نمایش بگذارد چیز دیگری نیست. درین حال از مارجه گزارش میرسد که نرخ مواد غذایی در آنجا پنج چند بالا رفته و در خود مارجه تا حال چند تن از گرسنگی جان باخته اند.

کشتار غیر نظامیان در ارزگان:

به تاریخ ۲۲ فبروری که یک کاروان موتر ها درین ولایت در حرکت بودند و در آن افراد غیر نظامی سوار، توسط نیروی هوایی امریکا مورد حمله قرار گرفتند که در نتیجه ۲۳ تن از هموطنان ما که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل میداد به قتل رسیدند، بعد مک کریستال فرمانده امریکائی به صفحه تلویزیون ها آمده و ازین بابت معذرت خواست. این را مردم با خشم استقبال کرده و چنین معذرت هائی را توهین دیگری به خود میدانند. چون امریکائی ها همیشه دست به چنین کشتار هائی زده و بعد معذرت می خواهند.

اهانت آمیز تر از همه چیز در این عذر خواهی پیشنهاد مقدار پولیست که قرار است امریکائی در بدل خون هر انسان بپردازند. فرهنگ پول پرستانه امپریالیستی اشغالگران را چنان بار آورده است که فکر می کنند همه چیز را می توان خرید نمود حتا جان انسان را و از همین رو پیشنهاد نموده اند تا برای هر خون یک مشت دالر بپردازند.